روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۴ | چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴ | ۳ رجب ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۰۴ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۶ | اذان مغرب: ۱۷:۱۷ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۹ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۲ |

دیده‌بان

مهران مدیری با «شیش ماهه» به شبکه ۳ می‌آید

سریال «شیش‌ماهه» اثر تازه مهران مدیری از روز پنج‌شنبه ۴ دی ماه ساعت ۲۰:۳۰ پخش خود را آغاز می‌کند.

سریال جدید مهران مدیری با عنوان «شیش‌ماهه» به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی آماده نمایش شده و قرار است از پنج‌شنبه ۴ دی ماه ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه ۳ سیما پخش شود. در این مجموعه ۱۷ قسمتی که روایتی طنزآمیز و اجتماعی دارد و محصول مرکز سیمافیلم است، در کنار مهران مدیری، بازیگرانی چون علیرضا خمسه، سید جواد رضویان، حسن معجونی، مریم سعادت، ناهید مسلمی، سحر زکریا و نیما شعبان‌نژاد بازی می‌کنند. «شیش‌ماهه» در ژانر کمدی اجتماعی ساخته شده و داستان آن حول محور مردی می‌گردد که متوجه می‌شود تنها شش ماه دیگر فرصت زندگی دارد. این خبر تلخ، نقطه آغاز مجموعه‌ای از موقعیت‌های متضاد شیرین و تلخ، انسانی و طنزآلود است که زندگی او و اطرافیانش را دگرگون می‌سازد.

بازی «سیمرغ: سفر ابدی» افسانه‌ای که با واژه‌ها زنده می‌شود

بازی «سیمرغ: سفر ابدی» نه فقط یک سرگرمی، بلکه روایتی تعاملی از فرهنگ کهن ایران است که تلاش می‌کند با واژه‌ها، داستانی ماندگار خلق کند.

بازی کلمه‌ای «سیمرغ: سفر ابدی» با تلفیقی نوآورانه از داستان‌پردازی اسطوره‌ای و چالش‌های ذهنی، یک تجربه متفاوت و عمیق را به کاربران ارائه می‌دهد. در این بازی، بازیکن نه تنها با حل پازل‌های کلمه‌ای پیش می‌رود، بلکه در نقش یکی از پرندگان افسانه‌ای، مأموریت یافتن هفت گوهر ربوده شده توسط اهریمن را بر عهده می‌گیرد. این سفر پررمزوراز از میان کوه افسانه‌ای قاف، با مراحل متنوع و طراحی هوشمندانه، ساعت‌ها شما را درگیر خود می‌کند.

در به‌روزرسانی جدید، توسعه‌دهندگان با تمرکز بر جزئیات، موسیقی پس‌زمینه بازی را کاملاً بازطراحی کرده‌اند. این تغییر، فضایی حماسی و متناسب با حال‌وهوای اسطوره‌ای سیمرغ ایجاد کرده و غوطه‌وری بازیکن را در دنیای بازی افزایش می‌دهد. همچنین، رفع باگ‌های گزارش شده و بهینه‌سازی عملکرد، اجرای روان‌تری را برای دستگاه‌های مختلف تضمین می‌کند.

علاقه‌مندان به صنعت بازی‌های رایانه‌ای اگر به دنبال بازی هستند که ذهن را به چالش بکشد و در عین حال با روایتی غنی از فرهنگ ایرانی همراه باشد، «سیمرغ: سفر ابدی» انتخاب ایده‌آلی است. این بازی ثابت می‌کند که واژه‌ها می‌توانند نه تنها سرگرم‌کننده، بلکه روایتگر داستان‌هایی ماندگار باشند. برای شروع این سفر ابدی، بازی را دانلود و در نبرد نور علیه تاریکی، نقش خود را ایفا کنید. «سیمرغ: سفر ابدی» با تکیه بر عناصری از ادبیات کهن فارسی و هوشمندی در طراحی مراحل، نه تنها یک بازی کلمه‌ای، بلکه پنجره‌ای به دنیای اسطوره‌ها گشوده است. این اثر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تلفیق فرهنگ ناب ایرانی و مکانیک‌های مدرن گیم‌پلی، تجربه‌ای متمایز و جذاب خلق کرد. با استقبال کاربران و تداوم به‌روزرسانی‌های هدفمند، این بازی می‌تواند به یکی از نمونه‌های موفق در عرصه بازی‌های ایرانی با هویت فرهنگی تبدیل شود.

رمان «۴۲ سال بعد» منتشر شد

رمان «۴۲ سال بعد» به نویسندگی علی مرادخانی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد.

کتاب «۴۲ سال بعد» به قلم علی مرادخانی از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شد. «۴۲ سال بعد» دومین رمان علی مرادخانی بعد از «گرامافون» است که داستانی عاشقانه و سیاسی- امنیتی دارد و روایتگر دانشجوی نخبه‌ای است که به کشور لبنان سفر می‌کند و این سفر حوادث غیرمنتظره‌ای را برایش رقم می‌زند. انتشارات سوره مهر این کتاب را در ۲۷۶ صفحه و بهای ۳۸۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تئاتر

گزارش «جوان» از لزوم توجه به نقش زنان در ادبیات و سینمای دفاع مقدس

«تب ناتمام» کتابی که قابلیت روایت را در سینما دارد

روزبه فکور

انتشار کتاب‌هایی همچون «تب ناتمام» نشان می‌دهد ادبیات دفاع مقدس هنوز ظرفیت‌های کشف‌نشده‌ای برای روایت دارد؛ به‌ویژه در بازنمایی تجربه زیسته زنانی که سال‌ها در حاشیه روایت‌های رسمی جنگ مانده‌اند.

«تب ناتمام» با تمرکز بر جهان عاطفی، رنج‌های خاموش و کنش‌های پنهان زنان در سال‌های جنگ، نه‌تنها نمونه‌ای شاخص در جریان خاطره‌نگاری معاصر است، بلکه از منظر دراماتیک نیز واجد مؤلفه‌هایی است که آن را به اثری مستعد برای اقتباس سینمایی بدل می‌کند. روایت غیرشعاری، شخصیت‌پردازی انسانی و نگاه جزئی‌نگر به زندگی روزمره از جمله ویژگی‌هایی است که این کتاب را برای ورود به مدیوم سینما جذاب می‌سازد.

کتابی با روایتی مادرانه

«تب ناتمام» روایت زندگی یک مادر شهید است که نمونه‌ای خاص و یگانه از فداکاری و ایثار مادرانه را به نمایش می‌گذارد. در این کتاب، با سرگذشت مادری روبه‌رو هستیم که برای مدتی طولانی از فرزند جانباز خود که توانایی حرکت خود را در راه دفاع از میهن از دست داده، بدون هیچ چشمداشتی مراقبت می‌کند. برخلاف روایت عمومی که فرد جانباز محور روایت‌هاست، در این کتاب مادر شهید دخانچی است که نقش محوری داستان را بر عهده دارد. این بدین معناست که مؤلف در اثر خود به شرح زندگی در کنار یک جانباز و سختی‌های آن پرداخته که ممکن است در نگاه اول از دید بسیاری از افراد پنهان بماند.

زهرا حسینی مهرآبادی در این کتاب، تنها به جنبه‌های شخصی زندگی شهلا منزوی بسنده نکرده است. او نگاهی اجتماعی و تاریخی نیز به ماجرای جنگ و تأثیرات آن بر خانواده‌ها دارد. به این ترتیب «تب ناتمام» به نوعی یادآور این نکته است که جنگ فقط در میدان نبرد رخ نمی‌دهد، بلکه خانواده‌ها، به‌ویژه مادران نیز در خط مقدم این نبرد روحی و روانی قرار دارند. آنها نه تنها با از دست دادن عزیزانشان، بلکه با زخم‌های روحی و روانی جنگ نیز دست و پنجه نرم می‌کنند.

کتاب‌هایی مانند «تب ناتمام» نمونه‌ای روشن از این ظرفیت هستند؛ آثاری که جنگ را نه از منظر خط مقدم، بلکه از دل خانه‌ها، بیمارستان‌ها و سال‌های انتظار روایت می‌کنند. انتشار چنین کتاب‌هایی فرصت خوبی را پیش‌روی سینماگران فراهم می‌کند تا با اقتباس و بهره گرفتن از زندگی این شخصیت‌ها، دست به ساخت فیلم و سریال بزنند، به ویژه آنکه با نگاهی به تاریخ سینمای دفاع مقدس می‌بینیم که مسیر بازنمایی زنان، مسیری تدریجی و پرچالش بوده است.

غیبت زنان در فیلم‌های دفاع مقدس

فیلم‌های دهه ۶۰ و ۷۰، مخصوصاً آثار تولید شده در سال‌های نزدیک به پایان جنگ، عمدتاً روایتی مردانه داشته‌اند. در این فیلم‌ها، تمرکز درام بر میدان نبرد و قهرمانان مرد بوده و تصویر روشنی از نقش زنان، چه در پشت جبهه و چه در متن زندگی جنگ‌زده، ارائه نمی‌شد. حتی در آثار فیلمسازان شاخصی چون ابراهیم حاتمی‌کیا و رسول ملاقلی‌پور نیز، محوریت روایت بر دوش مردان قرار داشت و شخصیت‌های زن اغلب در حاشیه داستان و بدون کنشگری مؤثر باقی می‌ماندند.

با نگاهی به سینمای دفاع مقدس، می‌بینیم در دو دهه ۶۰ و ۷۰، در مجموع ۷۰ فیلم سینمایی مرتبط با جنگ ساخته شد که تنها در هفت فیلم زنان نقش اول و اصلی را برعهده دارند که چیزی حدود ۱۰ درصد از کل آثار می‌شود. این فیلم‌ها زندگی واقعی زنان در طول جنگ را به مخاطبان نشان نمی‌دهند و زنان در فیلم‌های دفاع مقدس غایب و ناپیدا هستند.

از دهه ۷۰ به بعد، تصویر زن در سینمای دفاع مقدس به‌تدریج از حالت منفعل خارج شد و به سوی کنشگری حرکت کرد. تحول اصلی از جایی آغاز شد که در دو دهه اخیر و با شروع جریان «نهضت خاطره‌نگاری» در ادبیات دفاع مقدس و انتشار روایت‌های مادران و همسران شهدا و جانبازان، چشم‌انداز تازه‌ای پیش روی سینماگران گشوده شد. با مرور و خواندن این کتاب‌ها مشخص شد که چه ظرفیت عظیمی در تجربه زیسته زنان وجود دارد و چگونه می‌توان آن را به زبان تصویر ترجمه کرد.

ظهور زنان در سینمای دفاع مقدس

در سینما، نمونه‌های موفقی از این تغییر نگاه قابل ردیابی است. برای نمونه فیلم «گیلانه» تصویری کامل، باورپذیر و انسانی از مادری ارائه می‌دهد که رنج، مراقبت و ماندگاری را زندگی می‌کند. گیلانه، زنی است که جنگ را نه با اسلحه، بلکه با صبر و از خودگذشتگی مادرانه تجربه می‌کند.

یا فیلم «شیار ۱۴۳» ساخته نرگس آبیار نیز نمونه‌ای شاخص در این مسیر است. روایت مادر منتظر، ما را با وجه دیگری از حیات زنان در جنگ مواجه می‌کند. زنی که دل در گرو تنها پسر و همراه زندگی‌اش دارد و بی‌صبرانه منتظر خبری از اوست. سال‌ها انتظار، صبوری و زیست در تعلیق، این فیلم را به اثری بدل کرده که از کلیشه‌های رایج فاصله می‌گیرد و تصویری واقع‌گرایانه از مادران اسرا را نشان می‌دهد.

فیلم «ویلایی‌ها» نیز نمونه‌ای روشن از یک «قصه کاملاً زنانه» است. اثری که به جای میدان رزم، زندگی زنان در پشت جبهه را محور قرار می‌دهد. زنانی که اگرچه سلاح به دست نگرفتند، اما مسئولیت کمی نداشتند و بخش مهمی از دوام و پشتیبانی جنگ بر دوش آنان بود. این فیلم نشان می‌دهد که جنگ فقط در خاکریزها رخ نمی‌داد، بلکه در خانه‌ها و زیست روزمره زنان نیز جریان داشت.

در روزهای نخست جنگ تحمیلی، زنان در شهرهای اشغال‌شده در میدان نبرد حضور مستقیم داشتند و با ادامه جنگ، نقش آنان در پشت جبهه و در بیمارستان‌ها پررنگ شد. فیلم «روزهای زندگی» با تمرکز بر نقش کادر پزشکی، بخشی از این نقش کمتر دیده‌شده را به تصویر می‌کشد.

هنوز روایت‌های ناگفته بسیاری از زنان باقی مانده است؛ روایت‌هایی که می‌توانند بدون کلیشه‌پردازی و شعارزدگی، به سینما راه پیدا کنند. امید آن است که آثاری چون «تب ناتمام» به چرخه اقتباس سینمایی وارد شوند و میدان بیشتری به روایت‌های واقعی زنان بدهند. زندگی این زنان آن‌قدر دراماتیک و تأثیرگذار است که نیازی به اغراق ندارد؛ تنها کافی است درست و صادقانه روایت شود.

حکمت

فاطمه زهرا سلام‌الله علیها:

خداوند پرهیز از خوردن مال یتیم را به دلیل جلوگیری از ظلم و حق‌کشی واجب فرمود.

بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۶۸

نما | حسین کشتکار

تلویزیون

«روزی روزگاری آبادی» روایتی از مناسبات اقتصادی روستایی

سریال «روزی روزگاری آبادی» با محوریت اقتصاد محلی، روایتی از مناسبات روستایی را در یک فیلمنامه منسجم گرد آورده است؛ روایتی که درونمایه‌ای آمیخته با فرهنگ محلی دارد.

به گزارش فارس، این شب‌ها پس از سریال «دشتستان»، شبکه یک میزبان «روزی روزگاری آبادی» است تا باکس سریال‌های این شبکه را پر کند؛ سریالی که درونمایه‌ای آمیخته با فرهنگ محلی دارد و در کنار سایر تولیدات با زمینه مناطق دیگر ایران به جز تهران، داستان را جلو می‌برد. پیش از این و در دهه‌های مختلف سریال‌های متعددی با محوریت و لوکیشن استان‌ها و روستاهای دیگر ایران روایت شده است تا علاوه بر تنوع دادن به فیلمنامه، دوربین را به خارج از تهران ببرد. بیشترین استقبال از این نوع سریال‌ها با «پایتخت» رقم خورد؛ روایت خانواده‌ای معمولی که در هر فصل ماجراهای آنان در شمال کشور و در علی آباد، توانست تمام ایران را تا فصل هفتم همراه خود کند.

پس از آن نیز کمتر سریالی بود که ریسک به تصویر کشاندن داستانی خارج از تهران را به جان بخرد تا اینکه نوبت به سعید آقاخانی با «نون خ» رسید که لنز دوربین را به کردستان و در میان مردم آن دیار برد و دریچه‌ای جدید از طنز تلویزیونی را تا چند فصل به روی مخاطب گشود.

پس از این دو مجموعه موفق در ژانر طنز، در سند تحول رسانه ملی نیز تأکید ویژه‌ای بر به تصویر کشاندن نقاط مختلف ایران شد. به گونه‌ای که با توجه به عدالت رسانه‌ای، تمام مخاطبان ایران بتوانند خود را در قاب تلویزیون ببینند. سریال «سوجان» نمونه‌ای موفق برای تداوم این امر در تلویزیون بود تا آثار دیگر نیز بتوانند در این راستا حرکت کنند.

حال در تلاش دیگری از مجموعه سیمافیلم، سریال «روزی روزگاری آبادی» در رده آثاری قرار می‌گیرد که در تلاش برای ایجاد این تحول در عدالت رسانه‌ای است. داستان این سریال به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده که پس از مدت زیادی به تلویزیون بازگشته است، حول محور رقابتی در دل روستا و مناسبات محلی می‌گذرد.

با گذشت چند قسمت می‌توان گفت فیلمنامه سریال روی خط منسجمی حرکت می‌کند و خرده داستان‌های کنار آن مانع روند روایت نمی‌شود. به جای تأکید بر وقایع داستان، تمرکز بر روابط میان کاراکترها جو قابل توجهی ایجاد کرده است تا مخاطب بیش از هر چیز غرق در مناسبات میان آنان باشد.

از سویی دیگر روایت یک قصه محلی که با اقتصاد روستایی پیوند خورده است هم به لحاظ اجتماعی و اقتصادی قابل توجه است و هم به شکل‌گیری فیلمنامه کمک کرده است. پیش از این کمتر آثاری بوده‌اند که درونمایه خود را براساس اقتصاد روستایی بنا کنند و به داستان‌پردازی بپردازند.

با وجود قصه متفاوت و قوتی که در بازنمایی لهجه محلی وجود دارد، ژانر این سریال برخلاف آن که طنز معرفی شده، در این زمینه ناکام مانده است و نمی‌تواند با پیچ و تاب عناصر داستانی به خلق موقعیت‌های کمدی کمکی کند. برخلاف سریال‌هایی چون پایتخت و نون خ که با چهره‌های شناخته شده و بازیگران جدید توانستند طنز داستان را شکل دهند، ترکیب بازیگران شناخته شده و تازه کار «روزی روزگاری آبادی» نتوانسته نقش مؤثری در کمدی داستان ایفا کند.

همچنین وجود شخصیت‌های متعدد و زیاد در این مجموعه در مواقعی موجب گسسته شدن روند روایت می‌شود و برای مخاطب نیز می‌تواند دشواری در پیگیری داستان ایجاد کند. در مجموع، «روزی روزگاری آبادی» را می‌توان تلاشی قابل‌تأمل در مسیر فاصله گرفتن از تمرکز همیشگی روایت‌ها بر تهران دانست؛ مسیری که طی سال‌های اخیر به یکی از مطالبات مخاطبان تلویزیون تبدیل شده است. این سریال با انتخاب یک بستر روستایی و تمرکز بر مناسبات محلی و اقتصاد روستا، ظرفیت‌های تازه‌ای را برای روایت تلویزیونی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که قصه‌پردازی در دل فرهنگ‌های بومی همچنان حرف‌های ناگفته زیادی دارد.

با این حال، فاصله میان ادعای ژانر طنز و خروجی نهایی، مهم‌ترین چالشی است که سریال با آن رو به رو است. ضعف در خلق موقعیت‌های طنز، تعدد شخصیت‌ها و ناتوانی برخی بازیگران در پیشبرد کمدی، باعث شده اثر نتواند به اندازه نمونه‌های موفق پیشین با مخاطب ارتباط بگیرد.

اختتامیه هفتمین جشنواره تئاتر «شهر» در پردیس تئاتر تهران

چهارمین روز از هفتمین جشنواره تئاتر «شهر» با تور «مروری بر تاریخ تئاتر و هنرهای نمایشی تهران» و ۱۳ اجرای نمایشی دیدنی شد. اختتامیه این رویداد پنج شنبه چهارم دی ماه در پردیس تئاتر تهران برگزار می‌گردد.

به گزارش «جوان» از روابط عمومی جشنواره، چهارمین روز از هفتمین دوره جشنواره تئاتر «شهر» با اجرای تور «مروری بر تاریخ تئاتر و هنرهای نمایشی تهران» و اجرای ۱۳ اثر نمایشی در بخش‌های مختلف این رویداد هنری برگزار شد. براین اساس، علاقه‌مندان در روز دوشنبه، یکم دی ماه از ساعت ۹ تا ۱۳ با شرکت در تور «مروری بر تاریخ و هویت تئاتر شهر» که به یاد زنده‌یاد حمید سمندریان برگزار شد، مروری بر معماری و تاریخ تئاتر شهر داشتند و همچنین با اسناد و اجراهای مهم و گروه‌های هنری که در تئاتر شهر شکل گرفته است، آشنا شدند. اردشیر صالح‌پور، مدرس و پژوهشگر تئاتر به عنوان راهنما هدایت این تور را برعهده داشت. همچنین در ادامه، تور «مروری بر تاریخ و هویت هنری پهنه رودکی» نیز به یاد علی رفیعی و زنده‌یاد پری صابری برگزار شد و شرکت‌کنندگان به بازدید از تالار وحدت، رودکی و فرهنگ پرداختند. در بخش اجراهای نمایشی نیز هفتمین جشنواره تئاتر شهر در این روز، میزبان ۱۳ اجرا در بخش‌های دیگر گونه‌های اجرایی، تئاتر کودک و نوجوان و صحنه‌ای بود. «تهران، لبخند زیر دود» به کارگردانی آرزو علیپور در ایوان انتظار مترو میدان ولیعصر (عج)، «جنگ نام دیگر تو بود» به کارگردانی علیرضا امین‌مظفری در پلازای میدان هفتت تیر، «ققنوس» به کارگردانی حسین نادری در خانه هنرمندان ایران، «خم بازی غلام تنبل» به کارگردانی افشین قاسمی در فرهنگسرای اندیشه، «جشن شب یلدا» به کارگردانی علی جباری در فرهنگسرای بهاران و «حکم پهلوانی» به کارگردانی فاطمه غیبی

در فرهنگسرای اشراق اجراهای بخش دیگر گونه‌های اجرایی بودند که تماشاگران را با خود همراه کردند. در بخش تئاتر کودک و نوجوان نیز نمایش‌های «هچل» به کارگردانی امیرافسر شیبانی در سالن استاد محمد و «مترسک» به کارگردانی مجید بذرباج در سالن استاد رشیدی و همچنین «موزیکالیته» به کارگردانی مریم کاظمی در سالن اصلی پردیس تئاتر تهران روی صحنه رفتند. «راز پاپاپا» به کارگردانی مریم رادپور در سالن بوستان و «تیتسوی سبزانگشتی» به کارگردانی محمد الهه دادی در سالن گلستان مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان میزبان مخاطبان شدند. نمایش‌های «کلوزآپ» به کارگردانی آروین شاه‌حسینی در سالن انتظامی خانه هنرمندان ایران، «دوستان با محبت» به کارگردانی اسماعیل خلج در سالن استاد ناظرزاده کرمانی و «جنبش بازیگر آماتور» به کارگردانی رامین علیزاده در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر نیز در بخش صحنه‌ای روی صحنه رفتند. مراسم اختتامیه هفتمین دوره جشنواره تئاتر «شهر» به دبیری امین اشرفی آذر فردا (پنج شنبه) در پردیس تئاتر تهران برگزار می‌گردد.

رادیو

رادیو «سیمرغ صدا» جایزه می‌دهد

شورای پاسداشت زبان فارسی معاونت صدا با راه‌اندازی «جایزه سیمرغ صدا» تلاش دارد بار دیگر توجه‌ها را به اصالت، دقت و زیبایی زبان فارسی در آنتن رادیو جلب کند.

به گزارش «جوان»، محمدجعفر محمدزاده، رئیس شورای پاسداشت زبان فارسی معاونت صدا، در تشریح اهداف و روند برگزاری جایزه «سیمرغ صدا» با تأکید بر نقش صدا و سیما در صیانت از زبان فارسی گفت: برای نخستین‌بار تصمیم شورای مدیران معاونت و تأکید معاون صدا بنا شد در راستای توجه جدی‌تر به ادبیات فارسی و پرهیز از به‌کارگیری واژه‌های بیگانه، مراسمی تخصصی در معاونت صدا برگزار شود که محور اصلی آن پاسداری از زبان فارسی در رسانه رادیو باشد. او با اشاره به اینکه زبان فارسی نه‌تنها ابزار ارتباط، بلکه حامل هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان است، افزود: رادیو به‌عنوان رسانه‌ای مبتنی بر صدا و کلام، مسئولیت مضاعفی در حفظ سلامت زبان دارد. گویندگان، مجریان و برنامه‌سازان نخستین حلقه ارتباطی میان رسانه و مخاطب هستند و اگر زبان در این نقطه آسیب ببیند و به آن توجه نشود، این آسیب به سرعت در جامعه بازتولید می‌شود. محمدزاده درباره روند انتخاب نامزدها توضیح داد: از تمامی شبکه‌های رادیویی خواسته شد هر کدام یک نفر از کوششگران شبکه را که بیشترین دقت و تعهد را در پاسداری از فارسی دارد، معرفی کنند. این اسامی پس از دریافت، وارد مرحله ارزیابی شدند و مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. به گفته محمدزاده، آقای خالصی، خانم ترسا و آقای محمدیان سه همکاری هستند که در این نوبت موفق شده‌اند به مرحله نیمه نهایی راه پیدا کنند. او در پایان خاطرنشان کرد: به‌زودی نفر برگزیده جایزه سیمرغ صدا معرفی خواهد شد. وی ابراز امیدواری کرد که این جایزه آغاز مسیری باشد برای حساسیت بیشتر نسبت به زبان فارسی در رسانه ملی و الگوسازی برای نسل جدید برنامه‌سازان.

کتاب

با همکاری جمعی از نویسندگان منتشر شد

«آ مثل بابا» داستان‌هایی متفاوت درباره پدر

مجموعه داستانی «آ مثل بابا» با همکاری جمعی از نویسندگان و با هدف بازاندیشی رابطه پدر و فرزندی از سوی انتشارات مدرسه نوشتن منتشر شد.

به گزارش «جوان»، کتاب «آ مثل بابا»، مجموعه داستانی با محوریت پدر است که با همکاری جمعی از نویسندگان به اهتمام مهدی قزلی از سوی مدرسه نوشتن منتشر شد. در حالی که در چند سال گذشته مفهوم پدر در برخی از آثار هنری و ادبی متفاوت با آنچه در سنت و فرهنگ ایرانی است، روایت شده، کتاب حاضر تلاش دارد با نقبی زدن به مفهوم پدر و جایگاه آن در خانواده در نظر و نگاه نویسندگان، برخی از مفاهیم حول این نقش را به مخاطب امروز، به ویژه نسل جوان یادآوری کند. در معرفی این اثر آمده است: پدر و پدری و پدرانگی جزو مفاهیم وجودی‌ای هستند که هیچ‌کس از اندیشیدن به آنها گزیر و گریزی ندارد. چون همه انسان‌ها لاجرم از پدری زاده شده‌اند که حتی اگر آن را ندیده و نشناخته باشند و از دست داده باشند هم، ادامه حیات او هستند. رابطه پدر و فرزندی در زمانه ما نیازمند بازاندیشی و نگاهی دوباره است. و نیت «آ مثل بابا» نیز همین است. کتابی که با رنگین‌کمان روایت‌هایش پدرهای گوناگونی را فراچشم خواننده می‌آورد و مخاطب در بین این تنوع می‌تواند سایه‌ای از خودش یا پدرش یا رابطه پدروفرزندی‌اش را پیدا کند و در موردش بیندیشد. تمام کاری که «آ مثل بابا» می‌خواهد بکند همین است. این اثر که به دبیری مهدی قزلی منتشر شده، مجموعه‌ای است از روایت‌های این نویسندگان: مهدی یزدانی‌خرم، احمد دهقان، رامبد خانلری، مرتضی برزگر، غلامرضا طریقی، علی‌رضا جوانمرد، شهرام کرمی، حبیبه آقایی‌پور، فاطمه‌سادات موسوی، مرتضی درخشان، مریم نظام‌دوست، بشری صاحبی، قاسم فتحی، علیرضا رأفتی، محمدحسام حاجی فرج‌اله، زهرا افخمی‌نیا، فاطمه‌سادات مظلومی و یاسر صالحی.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: داستان‌نویس‌ها توصیه می‌کنند «نگو؛ نشان بده و احتمالاً این توصیه را از روی سبک رفتاری پدرها برداشته‌اند، جایی که پر است از نگفتن و حتی گاهی نشان ندادن، جایی که آدم‌ها در کلام ریخت و پاش احساسات نمی‌کنند. این کتاب رنگین‌کمانی است از روایت چند نفر از پدرانشان. احتمالاً هر کس این کتاب را بخواند بخشی از پدرش را یا حتی خودش را پیدا خواهد کرد. «آ» کوتاه‌ترین فعل زبان فارسی است در معنای آمدن تمام مفهوم برآمدن و بالندگی را در خودش جا داده و همین نزدیک‌ترین کلمه‌ای شد که چراغ مفهوم بابا را در ذهن‌مان روشن کرد. این گونه بود که نام کتاب شد «آ مثل بابا».